

DOR: 20.1001.1.26455714.1400.5.2.13.5

The meaning of presentation and delay in the Holy Quran in terms of semantics and its application in Persian translation

(A case study of some verses of Surah Al-Imran)

(Received: 2022-07-08 Accepted: 2022-09-15)

Mostafa Travideh¹

Masoud Fekri²

Abstract

Presenting and delaying are language styles and the translation of the Qur'an will not reach the desired result without familiarity with it. In addition to paying attention to the spacing and rhythm of the verses, offering and delaying in the Qur'an implies concepts such as bowing, dedication, expressing surprise, etc. From the point of view of the translation process, this operational style is difficult and sometimes impossible, but by adopting some techniques, you can translate some of them and transfer the implied meaning. The present study, with a descriptive-analytical method, tries to explain the semantics of preposition and delay in verses of Surah Al-Imran and provide techniques for translating such verses into Persian. According to the findings of the research, it is not possible to transfer preposition and delay in all verses, and although the translation conveys the intended meanings, it undergoes changes, but the translator must try to get as close as possible to the desired perfection, which is the transmission of the meanings of presentation and delay. Respecting the lexical precedence and backwardness of the verses in translation, using special usages of restriction and assignment in Persian language, using compensatory words suitable for the position of the verses such as words with the meaning of exclamation, threat and emphasis are among the techniques of translating this style into Persian language.

Keywords: introduction and lateness, Qur'an, translation, semantics, Al-Imran

1) PhD student, translation studies, University of Tehran, Tehran, Iran (The Corresponding Author) Email: mtsoushiant@gmail.com

2) Associate Professor of Arabic Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, University of Tehran, Tehran, Iran Email: mfekri@ut.ac.ir



This work is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License.



سال پنجم
شماره دوم
پیاپی: ۹
پاییز و زمستان
۱۴۰۰



مقاله علمی - پژوهشی، صص ۲۷۴-۲۹۵

DOR: 20.1001.1.26455714.1400.5.2.13.5

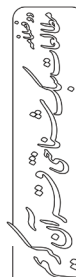
دلالت تقدیم و تأخیر در قرآن کریم از نظر معناشناسی و کار بست آن در

ترجمه به فارسی

(مطالعه موردی برخی آیات سوره آل عمران)

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۱۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۲۴)

مصطفی تراویده^۱
مسعود فکری^۲



سال پنجم
شماره دوم
پیاپی: ۹
پاییز و زمستان
۱۴۰۰

چکیده

تقدیم و تأخیر از اسلوب‌های زبانی است و ترجمه قرآن، بدون آشنایی با آن، به نتیجه مطلوب نمی‌رسد. تقدیم و تأخیر در قرآن علاوه بر توجه به رعایت فواصل و ضرب‌آهنگ آیات، بر مفاهیمی نظیر تعظیم، اهتمام، اختصاص، ابراز تعجب و ... دلالت دارد. از منظر فرایند ترجمه، این اسلوب، عملیاتی دشوار و گاهی ناشدنی است اما می‌توان با در پیش گرفتن برخی فنون، به ترجمه برخی از آن‌ها و انتقال پیام نهفته مبادرت ورزید. پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی درصدد تبیین دلالت تقدیم و تأخیر از نظر معناشناسی در آیاتی از سوره آل عمران و ارائه فنونی برای ترجمه چنین آیاتی به زبان فارسی است، طبق یافته‌های پژوهش، انتقال دلالت‌های تقدیم و تأخیر در همه آیات امکان‌پذیر نیست و گرچه ترجمه، دلالت معانی مورد نظر را دستخوش تغییراتی می‌نماید اما مترجم باید تلاش کند هر چه بیشتر به کمال مطلوب که انتقال دلالت‌های تقدیم و تأخیر است، نزدیک‌تر شود. رعایت تقدم و تأخر واژگانی آیات در ترجمه، استفاده از ادات ویژه حصر و اختصاص در زبان فارسی، استفاده از واژگان جبرانی مناسب مقام آیات نظیر واژه‌های دارای بار معنایی تعجب، تهدید و تأکید از جمله فنون ترجمه این اسلوب به زبان فارسی است.

واژه‌های کلیدی: تقدیم و تأخیر، قرآن، ترجمه، معناشناسی، آل عمران

(۱) دانشجوی دکتری مطالعات ترجمه، دانشگاه تهران، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)، ایمیل: mtsoushiant@gmail.com
(۲) دانشیار گروه زبان و ادبیات عرب، دانشگاه تهران، تهران، ایران، ایمیل: mfekri@ut.ac.ir



۱. مقدمه

تقدیم و تأخیر اسلوبی خاص است که تأثیر زیادی در جذابیت و شیوایی کلام دارد و با توجه به معانی عمیقی که بر اثر تغییر در جایگاه اصلی واژگان، به وجود می‌آید، بدیهی است که چنین سبکی در قرآن، ویژگی بی‌نظیر و منحصر به فرد خود را دارد، زیرا هر واژه‌ای در قرآن با واژگان دیگر فرق دارد و افکار و معانی عمیق و ظریفی را با خود حمل می‌کند. (همتی و دیگران، ۱۳۹۷ش: ۷۶) به طوری که هرگونه تغییر در جایگاه اصلی واژگان، حامل نوعی پیام و مفهوم است که متون قرآنی را زیبایی خاصی داده است.

تقدیم و تأخیر واژگان تنها یک جابجایی ساده میان آن‌ها نیست که هر متکلم یا نویسنده‌ای با رعایت ضوابطی که نحویان یا دانشمندان بلاغت در کتاب‌های خود در این موضوع بدان اشاره کرده‌اند، می‌تواند واژه‌ای را مقدم و واژه‌ای دیگر را مؤخر کند و مترجم هم با آشنا شدن به همین ضوابط و قواعد تقدیم و تأخیر در زبان مقصد، برای تقدیم و تأخیرهای قرآنی می‌تواند به راحتی معادل‌سازی کند (شهبازی و امیدعلی، ۱۳۹۶ش: ۲)؛ بلکه این جابجایی وابسته به سرتاسر بافت و هماهنگی با سایر ظرافت‌های آن و در یک بافت موقعیتی خاص صورت می‌گیرد؛ گاهی بافت اقتضا می‌کند واژه‌ای مقدم شود و بافتی دیگر اقتضا می‌کند همان واژه در جمله‌ای مشابه مؤخر شود و هر تقدیم و تأخیر در پس آن ظرافتی است که اگر واژگان به جای اصلی خودشان برگردند این لطافت و ظرافت معنایی از بین خواهد رفت. (همان: ۵)

مبحثی که در این مقاله به آن پرداخته می‌شود، دلالت تقدیم و تأخیر در قرآن از نظر معناشناسی و کاربست آن در ترجمه به فارسی است که جهت مطالعه موردی، آیاتی از سوره آل عمران انتخاب شده است. از آنجا که فهم دلالت تقدیم و تأخیر نیاز به مراجعه به کتب تفسیری دارد، پس از انتخاب ۱۶ آیه از سوره آل عمران، به کتاب‌های معتبر تفسیر که دلالت تقدیم و تأخیر را به عنوان بخشی از تفسیر آیات بررسی کرده‌اند، نظیر تفسیر البحر المحیط ابو حیان اندلسی، التحریر و التنویر ابن عاشور، تفسیر کبیر فخرالدین رازی و ... مراجعه شد و با کمک این تفاسیر، دلالت تقدیم و تأخیر آیات انتخابی تجزیه و تحلیل شد. در مرحله بعد، پس از بررسی ترجمه الهی‌قمشه‌ای از آیات انتخابی، جهت ارائه ارزیابی‌ای از میزان موفقیت مترجم در انتقال دلالت موجود در آیات، فنونی برای ترجمه آیات دارای اسلوب تقدیم و تأخیر و انعکاس دلالت موجود در چنین آیاتی ارائه شده است.

این پژوهش در صدد پاسخ به سؤالات زیر است:

۱. تقدیم و تأخیر در برخی آیات قرآن در بردارنده چه دلالت‌هایی است؟
۲. مترجم قرآن (الهی‌قمشه‌ای) تا چه حد توانسته است دلالت موجود در آیات دارای اسلوب تقدیم و تأخیر را در کاربست ترجمه منتقل نماید؟
۳. بایسته‌های مترجم در انتقال این دلالت‌ها چیست؟

۱.۱. پیشینه پژوهش

تاکنون پژوهش‌های متعددی پیرامون اسلوب تقدیم و تأخیر در آیات قرآنی و دلالت آن انجام شده است: مسیری (۲۰۰۵م) در کتاب *دلالات التقدیم و التأخیر فی القرآن الکریم* پس از بررسی موضوعاتی نظیر انواع تقدیم و تأخیر در قرآن، انگیزه‌های تقدیم و تأخیر، نقش تقدیم و تأخیر در اخلال در فصاحت کلام و ...، به بررسی تحلیلی اسلوب تقدیم و تأخیر در آیات متعددی از سوره‌های مختلف قرآن پرداخته است.

شهبازی و امیدعلی (۱۳۹۶ش) در مقاله‌ای با عنوان «تقدیم و تأخیر و بازتاب آن در ترجمه قرآن» به بررسی زیباشناسانه اسلوب تقدیم و تأخیر در آیات قرآنی و ظرافت‌های آن پرداخته و پس از انتخاب آیاتی از قرآن به بررسی و نقد ترجمه‌های معزی، انصاریان و فولادوند پرداخته‌اند.

همتی و دیگران (۱۳۹۷ش) در مقاله‌ای با عنوان «واکاوی معنای معنا و بررسی زیباشناسی آن در قرآن کریم، مطالعه موردی تقدیم و تأخیر در ده آیه مشابه» به بررسی آیات مشابه دارای اسلوب تقدیم و تأخیر پرداخته و به معانی فرعی و جانبی یا معانی دوم که از آن استنباط می‌شود، اشاره نموده‌اند.

جوادی (۱۳۹۹ش) در مقاله‌ای با عنوان «واکاوی جایگاه تقدیم و تأخیر آیات در روایات تفسیری» با تکیه بر مستندات روایی ائمه (ع) به تحلیل آیاتی از قرآن با رویکرد تقدیم و تأخیر پرداخته و اهمیت این دانش را در تفسیر قرآن و واکاوی تأکید ائمه به فراگیری آن، تبیین نمودند. با وجود چنین پژوهش‌های ارزشمندی، تاکنون پژوهشی با رویکرد فنون ترجمه آیات دارای دلالت تقدیم و تأخیر صورت نگرفته است که در این پژوهش سعی شده حتی‌المقدور فنونی ارائه شود.

۲. دلالت: معنای لغوی و اصطلاحی

واژه دلالت از ماده «دَلَّلَ» به معنی نشان دادن و نمایاندن چیزی با دلیل و برهان است؛ گفته می‌شود: «دَلَّهٗ عَلَى الطَّرِيقِ يَدُلُّهُ دَلَالَةً وَ دَلَالَةً» یعنی راه را به او نشان داد، پس دلالت در لغت دارای یک سری معانی نظیر راهنمایی، نمایاندن، تبیین و دلالت داشتن است. در قرآن واژه «دل» و مشتقات آن نیز ۸ بار در موقعیت‌های مختلف و با صیغه‌های متفاوت ذکر شده و به معنای اشاره به شیء یا ذات حسی و غیر حسی است که ارتباط بین دال و مدلول به‌عنوان دو رکن دلالت در این آیه کاملاً هویدا است: ﴿لَمْ تَرَ إِلَىٰ رَبِّكَ كَيْفَ مَدَّ الظِّلَّ وَلَوْ شَاءَ لَجَعَلَهُ سَاكِنًا تُنْمُ جَعَلْنَا الشَّمْسَ عَلَيْهِ دَلِيلًا﴾ (فرقان/۴۵)، در این آیه بین خورشید و سایه ارتباط دلالتی وجود دارد زیرا اگر خورشید طلوع نمی‌کرد، سایه شناخته نمی‌شد، پس در اینجا خورشید بر وجود سایه دلالت می‌کند و ارتباط میان خورشید و سایه مشابه ارتباط میان آتش با دود است. (نجار، ۲۰۱۶م: ۲۲ - ۲۳)

سال پنجم
شماره دوم
پیاپی: ۹
پاییز و زمستان
۱۴۰۰

اما در اصطلاح عبارت از حالتی است که در آن علم به یک شیء، علم به شیء دیگری را در پی داشته باشد که شیء اول را دال و شیء دوم را مدلول می‌نامند. (جرجانی، ۱۹۹۱م: ۱۳۹) بنابراین می‌توان گفت دلالت یعنی ارتباط بین دال و مدلول که در مفهوم زبان‌شناسی معاصر نیز، دلالت به همین معنا یعنی ارتباط بین دال (لفظ) و مدلول (معنی) است (کراعین، ۱۹۹۳م: ۸۴) همچنین دلالت نام علمی است که به بررسی معنا و نظریه‌های مربوط به آن و چگونگی ترکیب واژگان در قالبی معنادار می‌پردازد. (عیسی، ۲۰۲۰م: موقع موضوع)

۲.۱. انواع دلالت

در زبان‌شناسی دلالت به ۵ نوع اصلی زیر تقسیم می‌شود:

۲.۱.۱. **دلالت آوایی:** که بر ارزش آوایی و تعبیری حرفی واحد متکی است نظیر فعل «فَضَم» که بر خوردن چیزی خشک و فعل «خَصَم» که بر خوردن چیزی نرم دلالت دارد که این تفاوت دلالتی ناشی از اختلاف دو حرف «قاف» و «خاء» است، زیرا در زبان حرف «قاف» از حروف غلیظ و «خاء» از حروف لطیف محسوب می‌شود.

۲.۱.۲. **دلالت صرفی:** این دلالت به بررسی اوزان و صیغه‌های مجرد و مزید و معانی مختلف آن‌ها می‌پردازد نظیر فعل مجرد «بکی» که بر گریه کردن دلالت دارد اما چون به باب تفاعل برود و گفته شود «تباکی»، بر تظاهر به گریه دلالت می‌کند. (عیسی، ۲۰۲۰م: موقع موضوع)

۲.۱.۳. **دلالت نحوی:** این دلالت حاصل استعمال واژه‌ها یا صور کلامی در جمله مکتوب یا شفاهی در سطح تحلیل یا ترکیب است و از آن با «کارکردهای نحوی» و «معانی نحوی» نیز یاد می‌شود (نجار، ۲۰۱۶م: ۱۴۳)، تقدیم و تأخیر، حذف، تکرار، نکره و معرفه، دلالت جمله اسمیه و فعلیه از جمله وجوه مهم دلالت نحوی در زبان عربی است.

۲.۱.۴. **دلالت واژگانی:** که دلالت مربوط به تنوع معانی واژه‌ای واحد است و این دلالت یکی از مهم‌ترین علل وجود حجم انبوهی از معانی در فرهنگ لغات عربی به شمار می‌رود، (همان) نظیر معانی مختلف واژه «تَوَلَّى» که در آیه ﴿وَ إِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا﴾ (بقره/۲۰۵) به معنای به قدرت رسیدن و در آیه ﴿وَ تَوَلَّى عَنْهُمْ وَقَالَ يَا أَسَفَى عَلَى يُوسُفَ﴾ (یوسف/۸۴) به معنای چشم‌پوشی کردن و در آیات دیگر دارای معانی دیگر است.

۲.۱.۵. **دلالت بافتی:** که در این نوع دلالت، معنای موردنظر گوینده و معنای استنباطی مخاطب یکی است، به این معنی که گوینده معنایی را اراده می‌کند و مخاطب عین آن را دریافت می‌کند؛ نظیر واژه «قریب» که دارای معنای احتمالی مسافت، نسبت فامیلی و محبت است، اما در جمله «هو قریب إلی قلبی» با توجه به وجود قرینه «قلبی»، مخاطب از بافت کلام استنباط می‌کند که قریب در اینجا به معنی «محبت» است.

۲. ۱. ۶. دلالت اجتماعی: معرفت انسان و زندگی اجتماعی، نقشی اساسی در تعیین معنای موردنظر دارد، زیرا واژه‌ها در طول تاریخ همسوس با تطور انسان، تغییر می‌کنند که از آن به دلالت اجتماعی یاد می‌شود نظیر واژه «التوبه» که معنای قدیم آن مطلق بازگشت و معنای جدید آن توبه به معنی ترک گناه است.

۳. تقدیم و تأخیر: معنا و مفهوم

تقدیم و تأخیر، نقل واژه‌ای از جای اصلی آن به جایی دیگر که به این ترتیب، سبک کلام دگرگون می‌گردد و معنای آن را به معنایی جدید تغییر می‌دهد؛ به این طریق گوینده کلام برای اظهار و ترتیب معانی ضمنی، واژگانی را که جایگاه اصلی شان در اول کلام است، به تأخیر می‌اندازد و یا واژگانی که جایگاه اصلی شان در آخر کلام است، در ابتدا می‌آورد. (عمایره، ۱۹۸۴م: ۸۸-۹۰) تقدیم و تأخیر در زبان‌شناسی، اسلوبی متغیر است و عدول از قاعده کلی و عمومی به شمار می‌رود، به این معنا که واژگان از جایگاه اصلی خود به خاطر هدفی که موردنظر است، خارج می‌شود و عدول واژگان از جایگاه اصلی خود، به مانند انگیزه‌های هنری است که هنرمند برای ترسیم تصاویری هنری، بر آن تکیه می‌کند (عبدالمطلب، ۱۹۸۴م: ۲۰۰) پس در حقیقت، تقدیم، عبارت از تبادل در جایگاه و مکان واژگان و به این صورت است که واژه در آغاز کلام، جایگاه خود را ترک می‌کند تا واژه‌ای دیگر، جای آن را پر کند و از این رهگذر، هدف و مقصودی بلاغی به دست آید که به نوعی ساختارشکنی صورت می‌گیرد. (کوهین، ۱۹۸۶م: ۱۸) به نحوی که اگر همان واژه در جایگاه اصلی خود باقی بماند، آن هدف و غرض بلاغی به دست نمی‌آید.

۳. ۱. تقدیم و تأخیر نزد زبان‌شناسان قدیم و معاصر

اگر دانش بلاغت مبتنی بر ترتیب واژگان و چگونگی چینش آن در کلام باشد، اسلوب تقدیم و تأخیر، جایگاه ویژه‌ای در این علم دارد تا از این طریق بیشترین تأثیر را بر مخاطبان داشته باشد، از این رو زبان‌شناسان ادب عربی، از دیرباز به این تغییر اسلوبی که در کلام ایجاد می‌شود، اهمیتی ویژه داده‌اند (همتی و دیگران، ۱۳۹۷ش: ۷۲) و به عنوان نمونه «سبویه» نحوی معروف در این باره می‌گوید: «گویی در میان عرب‌ها آنچه برایشان در کلام اهمیتی بیشتر داشته، مقدم نموده‌اند گرچه تمام اجزای کلام، دارای اهمیت و هدفمند است» (۱۹۶۸م: ۱۵) و «ابن اثیر» نیز اسلوب تقدیم و تأخیر را بابت طولانی به شمار می‌آورد که دربرگیرنده اسرار و لطایف بلاغی متنوعی است (۱۹۸۳م: ۱۷۵/۱) و «ابن جنی» نیز به خاطر معنای متنوعی که این اسلوب تولید می‌کند، آن را باب «شجاعت عربی» نام نهاده است (۱۹۹۰م: ۳۶۰) و عبدالقاهر جرجانی نیز به جایگاه این اسلوب در علم بلاغت اشاره نموده و می‌گوید: «بابی سرشار از فایده و زیبایی است که همواره معانی بدیع و نوظهوری در آن تجلی می‌یابد.» (۱۹۶۹م: ۸۳)

زبان‌شناسان معاصر نیز درباره ساختار تقدیم و تأخیر، با سبکی جدید در راستای تأثیر آن بر کلام بحث نموده‌اند. از نظر آنان نیز تقدیم و تأخیر به دلالت‌های ساختار کلام منحصر می‌شود. (عبدالمطلب، ۱۹۹۷م: ۲۳۵) تبادل واژگان و عبارات از جایگاه اصلی خود، معانی و تعبیر را از سطحی به سطح دیگر تغییر می‌دهد. بر این اساس، بلاغت تقدیم و تأخیر مبتنی بر اعتباراتی است که برخی به نوآوری‌های نویسندگان یا گوینده برمی‌گردد، قسمی به اشارت‌ها و دلالت‌های کلامی مربوط می‌شود که مخاطب نیازمند آن است و بخشی دیگر به خود ساختار کلام مرتبط است (همان) عمایره جملات عربی را به دو بخش جملات تولیدی (اصلی) و جملات تحویلی تقسیم می‌کند؛ از نظر وی جملات تحویلی جملاتی‌اند که در ساختار آن‌ها دگرگونی صورت گرفته و از تغییر در جملات اصلی یا تولیدی به وجود آمده‌اند. (همتی و دیگران، ۱۳۹۷ش: ۷۳-۷۴)

اما اصطلاح تقدیم و تأخیر نزد زبان‌شناسان غربی با اصطلاح «Hysteron Proteron» شناخته می‌شود و در چهارچوب مباحثی که به منهج تحویل در جملات نحوی معروف است، قرار می‌گیرد. چامسکی نظریه‌پرداز غربی نیز جملات را به دو بخش جملات تولیدی و جملات تحویلی تقسیم نموده است و از نظر وی، ترکیبات تولیدی، جملاتی بسیط، تام، صریح، مثبت و معلوم است؛ اما در جملات تحویلی ممکن است یکی از این ویژگی‌ها یا بیشتر در آن نباشد و به این ترتیب جملات تحویلی شکل می‌گیرد که نسبت به جملات اصلی، دارای پیچیدگی ترکیبی و معنایی افزون‌تری است. (مؤمن، ۲۰۰۸م: ۲۰۷) از نظر چامسکی، مجموعه قواعدی در زبان‌شناسی، از جمله حذف، زیادت کلام، اختصار، تقدیم و تأخیر و ... وجود دارد که جملات ابتدایی و تولیدی را به جملات تحویلی تغییر می‌دهد. (یاقوت، ۲۰۰۸م: ۱۴۸)

رایت زبان‌شناس معروف انگلیسی نیز درباره تقدیم و تأخیر کلام می‌گوید «تفاوت میان جمله‌های اسمی و فعلی در این است که جمله فعلی رویداد و حادثه‌ای را وصف می‌کند؛ اما جمله اسمی چیزی یا شخصی را توصیف می‌کند و لازم است ترتیب واژگان به گونه‌ای باشد که این هدف را محقق سازد اما اگر بخواهیم بخشی از اجزای کلام با تأکید بیان شود، در چنین حالتی کافی است تقدیم و تأخیری در موضع اصلی واژگان صورت گیرد.» (زکریا، ۱۹۸۳م: ۹)

۲.۳. انواع تقدیم و تأخیر

جمله عربی از مسند، مسندالیه و متعلقات اسناد تشکیل می‌شود و در چینش واژگان دارای ساختاری ویژه است، ساختار جمله در زبان عربی ساختاری غیرقابل انعطاف نیست؛ بلکه دستخوش تغییر می‌شود از جمله این‌که عنصری بر عنصر دیگر مقدم یا مؤخر می‌شود که از آن با عنوان تقدیم و تأخیر یاد می‌شود؛ تغییراتی که در ساختار جمله عربی ایجاد می‌شود،

تصادفی نیست بلکه براساس ضوابط و شروطی معین است، گاهی واژه‌ای بالاجبار به علل نحوی عدول‌ناپذیر بر واژه‌ای دیگر مقدم یا مؤخر می‌شود نظیر ﴿وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ﴾ (بقره/۱۲۴) که در این آیه، مفعول به اجباراً به خاطر اتصال فاعل به ضمیری که به آن برمی‌گردد، مقدم شده است و گاهی از روی اختیار به عللی دلالتی و بلاغی مقدم یا مؤخر می‌شود که در زیر به انواعی از تقدیم و تأخیر در قرآن اشاره می‌شود:

- تقدیم معمول بر عامل نظیر ﴿أَهْلَاءِ إِيَّاكُمْ كَانُوا يَعْبُدُونَ﴾ (سبأ/۴۰) و تقدیم معمول بر معمولی دیگر که در اصل، معمول مؤخر باید مقدم باشد نظیر ﴿وَلَقَدْ جَاءَ آلَ فِرْعَوْنَ النَّذِيرُ﴾ (قمر/۴۱) و تقدیم خبر کان بر اسم آن نظیر ﴿وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ﴾ (إخلاص/۴) ذیل همین عنوان قرار می‌گیرند.

- تقدیم آنچه از نظر زمانی مؤخر است نظیر ﴿فَلِلَّهِ الْآخِرَةُ وَالْأُولَىٰ﴾ (نجم/۲۵).

- تقدیم برتر بر برترین نظیر ﴿رَبِّ هَارُونَ وَمُوسَىٰ﴾ (طه/۷۰).

- تقدیم ضمیر بر آنچه ضمیر مقدم را تفسیر می‌کند نظیر ﴿فَأَوْجَسَ فِي نَفْسِهِ خِيفَةَ مُوسَىٰ﴾ (طه/۶۷).

- تقدیم صفت جمله (جمله و صفیه) بر صفت مفرد نظیر ﴿وَنُخْرِجُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كِتَابًا يَلْقَاهُ مَشْهُورًا﴾ (إسراء/۱۳).

۳.۳. دلالت تقدیم و تأخیر در آیاتی از سوره آل عمران و فنون ترجمه این آیات

اگر از منظر عملیات ترجمه به اسلوب تقدیم و تأخیر به عنوان یکی از جنبه‌های اعجاز در قرآن بنگریم، باید گفت ترجمه این اسلوب و ظرافت‌های آن عملیاتی دشوار و تقریباً غیرممکن است، زیرا ترجمه تأثیری ویرانگر بر ساختار و بافتار قرآن می‌گذارد و معنا و پیام آیات قرآن در زبان مقصد دستخوش تغییر می‌شود و نمونه ترجمه‌های متعدد به زبان‌های مختلف از آیه‌های دارای این اسلوب بیانگر این واقعیت است. (مسیری، ۲۰۰۵: ۱۰۳) چرا که قرآن در اعجاز و بیان اسلوبی بی نظیر دارد و استعمال و چینش واژه‌ها در آن از روی عمد بوده است و به دلیل برخوردار از ویژگی‌های بلاغی و بیانی، ترجمه آن به دیگر زبان‌ها دشوار است (باقلانی، ۱۴۰۸ق: ۱۷۵)؛ اما نباید فراموش کرد که زبان بسیاری از مسلمانان عربی نیست، از این رو چاره‌ای جزء روی آوردن به ترجمه نیست گرچه گذر از این مسیر دشوار، نیاز به دقت و تیزبینی زیادی دارد (معروف، ۱۳۸۰ش: ۳۹)، چرا که تقدیم و تأخیر به عنوان یکی از فروع علوم بلاغت، از جمله دانش‌هایی است که مبادرت به ترجمه، تفسیر و تحقیق پیرامون قرآن بدون آشنایی با این دانش به نتیجه مطلوب نمی‌رسد چه بسا منجر به ترجمه غلط از آیات بشود (جوادی، ۱۳۹۹ش: ۶۹) برای نمونه در آیه ۲۴ سوره یوسف ﴿وَلَقَدْ هَمَّتْ بِهٖ وَهَمَّ بِهَا لَوْلَا اَنْ رَّاٰ رَبُّهَا رَبِّهٖ﴾ چنانچه مترجم تشخیص ندهد «هَمَّ بِهَا» جواب شرط مقدم «لَوْلَا» است و نداند تقدیر این آیه به صورت «لَقَدْ هَمَّتْ بِهٖ وَ لَوْلَا اَنْ رَّاٰ

بُرْهَانَ رَبِّهِ لَهْمَ بِهَا كَمَا هَمَّتْ بِهِ» برداشتی غلط از آیه و سوءظنی باطل نسبت به پیامبری الهی که مقام عصمت دارد، به خواننده منتقل می‌کند.

بنابراین گرچه ترجمه قرآن به عنوان متنی فرا بشری مشکل است؛ اما با این وجود می‌توان با در پیش گرفتن برخی راهبردها، استفاده از برخی واژه‌ها و یافتن معادلی مناسب در زبان مقصد، به ترجمه برخی از تقدیم و تأخیرها و انتقال پیام آیات مبادرت ورزید گرچه در اکثر ترجمه‌های موجود، مترجمین نسبت به انتقال ظرافت‌های تقدیم و تأخیر به زبان مقصد غفلت ورزیده‌اند. (شهبازی و امیدعلی، ۱۳۹۶ش: ۱)

هرچند هم به نظر برخی صاحب‌نظران، ترجمه تحت‌اللفظی به جهت مراعات امانت و رعایت ساختار زبان مبدأ روشی مناسب برای ترجمه قرآن از جمله آیات دارای تقدیم و تأخیر است، اما این نوع ترجمه اغلب به دلیل نارسا بودن، تأثیرپذیری از ساختار دستوری زبان مبدأ، مراعات نشدن دستور زبان مقصد، پابندی بیش از حد مترجم به واژگان متن اصلی بدون توجه به مفهوم آن اغلب از مقبولیت کمتری برخوردار است و خواننده را دچار سردرگمی کند. (معروف، ۱۳۸۰ش: ۱۳-۱۵)

ترجمه‌ای خوب از قرآن از جمله آیات دارای اسلوب تقدیم و تأخیر نه ترجمه‌ای لفظ‌به‌لفظ است و نه ترجمه‌ای ادیبانه؛ بلکه ترجمه‌ای است که مترجم تنها نقش یک فرهنگ لغت را بازی نکرده و به ترجمه واژگان اکتفا نکرده است بلکه علاوه بر امانت‌داری، معنا و مفهوم کلام وحی را با الفاظ و سبکی مانوس به مخاطب انتقال می‌دهد، چنین ترجمه‌ای مستلزم دانش و دقت بسیار است و باید آن را کمال مطلوب دانست و کسی ادعا نمی‌کند چنین ترجمه تحقیق‌پذیر باشد. اما مترجم خوب کسی است که می‌کوشد هر چه بیشتر به این کمال مطلوب نزدیک‌تر شود. همچنین مترجم قرآن، علاوه بر آشنایی با شأن نزول و بافت آیات باید ویژگی‌های بلاغی زبان عربی را به خوبی بشناسد و در ترجمه آیات و در انتخاب کلمه‌های معادل در زبان مقصد دقت کافی به خرج دهد تا بتواند با رعایت دقت و امانت و بدون حذف و تغییر معنا، ترجمه‌ای صحیح از آیات ارائه دهد که در ادامه ضمن بررسی دلالت‌های تقدیم و تأخیر در برخی آیات انتخابی از سوره آل‌عمران اسلوب مناسب برای ترجمه این آیات ارائه می‌شود:

۱. ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَخْفَىٰ عَلَيْهِ شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ﴾ (آل‌عمران/۵)؛ «همانا چیزی در آسمان و زمین از خدا پنهان نیست.» (الهی قمشه‌ای)

در این آیه، «الْأَرْضِ» جهت دلالت بر ترقی از پایین به بالا بر «السَّمَاءِ» مقدم شده است؛ زیرا زمین از نظر درجه و موقعیت، پایین‌تر از آسمان قرار می‌گیرد و این تقدم حاکی از تکامل از مرحله پایین به مرحله بالا است. همچنین به گنا‌هانی که بندگان، روی زمین مرتکب می‌شوند، اشاره دارد و درواقع تهدیدی برای ساکنان زمین است، به‌عبارت‌دیگر، انسان‌های

روی زمین مخاطب این تهدید هستند که با خبر دادن از احاطه علم خدا به همه چیز و از جمله اعمال انسان‌ها بیان شده است. (مسیری، ۲۰۰۵م: ۲۵۶)

در این آیه با توجه به دلالت تقدم «الأرض» بر «السماء» ضروری است در ترجمه نیز این تقدم رعایت شود که در ترجمه فارسی الهی قمشه‌ای مراعات نشده است. همچنین بهتر است جهت انعکاس دلالت تهدید نهفته در آیه از واژه‌های تأکیدی نظیر قطعاً، مسلماً، بی شک و .. استفاده شود.

ترجمه پیشنهادی: [شک نکنید که] هیچ چیزی در زمین و در آسمان بر خدا پوشیده نیست یا مسلماً خداوند از هر چیزی در زمین و آسمان کاملاً آگاه است.

۲. ﴿إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَنُوحًا وَآلَ إِبْرَاهِيمَ وَآلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ﴾ (آل عمران/۳۳)؛ «به حقیقت خدا برگزید آدم و نوح و خانواده ابراهیم و خاندان عمران را بر جهانیان.» (الهی قمشه‌ای)

ترتیب مزبور میان انبیاء در این آیه دلالت بر تقدم آنان از نظر تاریخ تولد و دوره زمانی حیات آنان در دنیا دارد و بیانگر ترتیب برتری نیست، زیرا حضرت آدم تنها مقام نبوت داشت و نوح علاوه بر مقام نبوت، مقام رسالت نیز داشت و بلکه از پیامبران اولی العزم است و ابراهیم از همه پیامبرانی که در این آیه ذکر شده است، برتر بود. (مسیری، ۲۰۰۵م: ۲۵۹)

در ترجمه این آیه نیز جهت انعکاس دلالت موجود لازم است اسم‌های انبیاء به همان ترتیب ذکر شده در آیه بیان شود و از تقدم و تأخر نام انبیاء برخلاف ترتیب موجود پرهیز شود که ترجمه فارسی الهی قمشه‌ای با رعایت تقدم و تأخر واژگان آیه، دلالت موجود را منعکس کرده است.

ترجمه پیشنهادی: خداوند آدم و نوح و خاندان ابراهیم و خاندان عمران را بر مردم جهان برتری داد.

۳. ﴿وَإِنِّي أُعِيدُهَا بَكَ وَذُرِّيَّتَهَا مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ﴾ (آل عمران/۳۶)؛ «و او و فرزندان او را از شر شیطان رجیم در پناه تو آوردم.» (الهی قمشه‌ای)

ترتیب اصلی آیه به صورت «وَإِنِّي أُعِيدُهَا وَذُرِّيَّتَهَا بَكَ...» است اما مادر مریم (س)، پناه دهنده را که خدا است، در کلامش یعنی «بک» بر معطوف (ذُرِّيَّتَهَا) مقدم کرده است؛ این تقدیم بر بزرگداشت خداوند از سوی مادر مریم و اوج ایمان و تمسک قلبی وی به رشته‌های محکم توحید دلالت دارد و از آنجاکه تنها از خدا پناه می‌جوید، اسم خدا را مقدم می‌آورد. مثل اینکه می‌گوید: «اینی أعیدها و ذریتها بک و حدک لیس بأحد سواک: من او و فرزندان او را از شر شیطان، تنها در پناه تو و نه کسی غیر از تو می‌سپارم.» (مسیری، ۲۰۰۵م: ۲۶۰)

ابوحنان اندلسی در این باره می‌گوید: «پناه‌دهنده [خداوند] را جهت دلالت بر ارزش و اهمیت بالای یاد او و توجه به او، بر معطوف [فرزندان مریم] مقدم کرده است که پس از

ذکر خداوند، با اشاره به فرزندان مریم، کلام خویش را تکمیل کرد.» (۲۰۰۱م: ۴۵۸/۲)

با توجه به تفاوت زبان عربی و فارسی از نظر ساختار دستوری، مترجم به ناچار در ترجمه این آیه، دو راه پیش رو دارد: یا باید بدون پابندی به ساختار زبان مبدأ و دلالت موجود در آیه، ترجمه‌ای معنایی بر اساس ساختار زبان مقصد ارائه کند و بگوید: «و من او و فرزندان او را از شر شیطان ملعون به تو سپردم» راهی که الهی‌قمشه‌ای برگزیده است و دلالت بزرگداشت خداوند از سوی مادر حضرت مریم (س) و حصر حفاظت از وی و فرزندان او در خداوند نادیده بگیرد یا ترجمه‌ای بر اساس ساختار زبان مبدأ و تقریباً تحت‌اللفظی ارائه دهد و دلالت و حصر موجود در آیه را به ترجمه منعکس کند.

ترجمه پیشنهادی: و من، او و فرزندان او را تنها به تو می‌سپارم از شر شیطان ملعون.

۴. ﴿كُلَّمَا دَخَلَ عَلَيْهَا زَكَرِيَّا الْمِحْرَابَ وَجَدَ عِنْدَهَا رِزْقًا...﴾ (آل عمران/۳۷)؛ «هر وقت زکریا به صومعه عبادت مریم می‌آمد، رزق شگفت‌آوری می‌یافت.» (الهی‌قمشه‌ای)

در آیه مزبور «عَلَيْهَا» که جار و مجرور است، بر «زَكَرِيَّا» که فاعل است جهت دلالت بر اوج اهتمام و توجه به سرگذشت حضرت مریم (س) مقدم شده زیرا داستان پیرامون ایشان و نه حضرت زکریا (ع) است. (مسیری، ۲۰۰۵م: ۲۶۰)

در این آیه نیز با توجه به این‌که فاعل در ساختار زبان فارسی در آغاز جمله می‌آید، چنانچه مترجم بخواهد ترجمه‌ای روان و قابل قبول در زبان فارسی ارائه دهد، به‌ناچار باید دلالت موجود در آیه را نادیده بگیرد و بگوید: «هرگاه زکریا در محراب بر او وارد می‌شد، نزدش غذایی می‌دید» راهی که الهی‌قمشه‌ای برگزیده است یا این‌که ترجمه‌ای مطابق ساختار زبان عربی ارائه دهد و فاعل را مؤخر کند و بگوید «هرگاه در محراب بر او، زکریا وارد می‌شد ...» که تا حدودی نامأنوس به نظر می‌رسد و خواننده را دچار سردرگمی می‌کند. از این‌رو بهتر است از این آیه و آیات مشابه ترجمه‌ای خواننده‌محور ارائه و در پاورقی یا پراکنش به دلالت آیه اشاره شود.

ترجمه پیشنهادی: هرگاه زکریا در محراب بر او وارد می‌شد، نزدش غذایی می‌دید (در متن عربی آیه، ضمیر او که مرجع آن حضرت مریم (س) است، بر فاعل جمله که زکریا است جهت دلالت بر اهمیت سرگذشت آن بانو مقدم شده است).

۵. ﴿وَاسْجُدْ وَارْتَكِعْ مَعَ الرَّكْعَيْنِ﴾ (آل عمران/۴۳)؛ «و نماز را با اهل طاعت به‌جای آر.» (الهی‌قمشه‌ای)

گرچه «سجود» از نظر ترتیب فعلی و عملی، مؤخر از «رکوع» است، اما از آنجاکه نزدیک‌ترین حالت انسان به خدا، حالتی است که سر به سجده می‌گذارد، در این آیه، با هدف دلالت بر برتری و عظمت سجود در قیاس با رکوع، مقدم شده است. (اندلسی، ۲۰۰۱م: ۴۷۸/۲)

در آیه ﴿أَمْ مَنْ هُوَ قَانِتٌ آنَاءَ اللَّيْلِ سَاجِدًا وَقَائِمًا يَحْذُرُ الْآخِرَةَ وَيَرْجُو رَحْمَةً﴾

رَبِّهِ ﴿(زمر/۹) و آیه ﴿وَالَّذِينَ يَبِيتُونَ لِرَبِّهِمْ سُجَّدًا وَقِيَامًا﴾ (فرقان/۶۴) نیز «سجود» بر قیام با وجود اسبقیت قیام نسبت به «رکوع» مقدم شده است که شاهد دیگری بر این دلالت است. (مسیری، ۲۰۰۵م: ۲۶۱)

در این آیه جهت انعکاس دلالت موجود به ترجمه، باید علاوه بر مراعات تقدم سجده بر رکوع، از ترجمه این دو واژه به صورت کلی پرهیز کرد که الهی قمشهای با ارائه‌ای ترجمه‌ای کلی (نماز را با اهل طاعت به جای آر) دلالت موجود در آیه را منعکس نکرده است.

ترجمه پیشنهادی: سجده کن و با رکوع کنندگان به رکوع برو.

۶. ﴿إِنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكَ بِكَلِمَةٍ مِنْهُ اسْمُهُ الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ...﴾ (آل عمران/۴۵)؛ «خدا تو را به کلمه‌ای که نامش مسیح ابن مریم است، بشارت می‌دهد.» (الهی قمشهای)

در این آیه خداوند «مسیح» را که به گفته ابن‌انباری لقب عیسی (ع) است، بر اسم (عیسی) مقدم می‌کند، زیرا «مسیح» نزد مردم مشهورتر از عیسی است و برخلاف نام عیسی، تعداد کسانی که نامشان مسیح است، کمتر است. (السمین الحلبي، ۱۹۹۴م: ۹۵/۲) همچنین پیرامون دلالت این تقدیم می‌گویند مسیح در اینجا صفت مدح برای عیسی (ع) است خواه به خاطر پاکیزگی عیسی (ع) که از هر عیبی پاک بود (مسیح در زبان عربی یعنی پاک شده) و خواه به خاطر اشاره به معجزه عیسی (ع)؛ زیرا وی دست روی بیماران می‌کشید و به اذن خدا شفا می‌یافتند. یا اینکه صفت فعل است؛ زیرا زمین را می‌پیمود و از گیاهان و سبزی‌های زمین می‌خورد و هر کجا شب می‌شد، می‌خوابید، از این رو ذکر صفت زیبایی دال بر بلنهدمتی و والامقامی (مسیح) بر ذکر اسم دال بر ذات و سرشت (عیسی) مقدم شده است و این دلالت با آنچه پیرامون تقدیم عنوان مسیح به خاطر شهرت و آوازه آن گفته شد، تعارضی ندارد. (مسیری، ۲۰۰۵م: ۲۶۴)

در این آیه نیز جهت انعکاس دلالت نهفته در آیه، باید در ترجمه، صفت را بر اسم مقدم کرد که الهی قمشهای با رعایت تقدم و تأخر واژگان آیه، دلالت موجود را منعکس کرده است. ترجمه پیشنهادی: خداوند تو را به کلامی از سوی خود بشارت می‌دهد: اسمش مسیح عیسی بن مریم است.

۷. ﴿وَمَنْ أَهْلَ الْكِتَابِ مَنْ إِنْ تَأْمَنَهُ بِقِنطَارٍ يُؤَدِّهِ إِلَيْكَ وَمِنْهُمْ مَنْ إِنْ تَأْمَنَهُ بِدِينَارٍ لَا يُؤَدِّهِ إِلَيْكَ إِلَّا مَا دُمْتُ عَلَيْهِ قَائِمًا ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا لَيْسَ عَلَيْنَا فِي الْأُمِّيِّينَ سَبِيلٌ﴾ (آل عمران/۷۵)؛ «بعضی از اهل کتاب تا به آن حد درستکارند که اگر مال بسیاری به آن‌ها امانت بسپاری، رد امانت کنند و برخی دیگر از اهل کتاب تا آن اندازه نادرستند که اگر به آن‌ها یک دینار امانت دهی، رد نکنند جز آن‌که بر مطالبه آن سخت‌گیری کنی، از این رو که گویند: برای ما پیروان کتاب تورات به هر وسیله خوردن مال غیر اهل تورات گناهی ندارد.» (الهی قمشهای)

در این آیه خداوند می‌فرماید که اهل کتاب دو گروه‌اند: گروهی که به خاطر شرم از

خیانت‌درامانت، امانت را به صاحبش باز می‌گردانند و گروهی دیگر به بهانه مباح بودن خیانت به امانت در دین آنان، امانت را به صاحبش باز نمی‌گردانند و مراد این آیه سرزنش گروه دوم است؛ زیرا به گمان آنان، در دینشان خیانت به امانت مجاز است و از آنجاکه دین اسلام به انصاف شهره است، خداوند با هدف رعایت انصاف در حق گروه اول «مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مَنْ إِنْ تَأْمَنَهُ بِقِنطَارٍ يُؤَدِّهِ إِلَيْكَ» را بر «مِنْهُمْ مَنْ إِنْ تَأْمَنَهُ بِدِينَارٍ لَا يُؤَدِّهِ إِلَيْكَ» مقدم کرده است.

و تقدیم مسند «وَمِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ» در دو موضع دلالت بر ابراز تعجب نسبت به مضمون صله مسندالیه در این دو موضع دارد: ابراز تعجب از ارزش بالای امانت از نظر مادی و امکان خیانت و داشتن بهانه شرعی برای خیانت در امانت در موضع اول و ابراز تعجب در موضع دوم از این‌که خیانت در امانت به خلق و خوی ذاتی پیروان یکی از کتب آسمانی تبدیل شده است. سپس خداوند با ذکر «ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا لَيْسَ عَلَيْنَا فِي الْأُمِّيْنِ سَبِيلٌ» شگفتی بیشتری را ابراز می‌کند و به این ترتیب مسندالیه در دو موضع مزبور، بیشتر مخاطب را به حیرت می‌اندازد. همچنین در فراز «عَلَيْهِ قَائِمًا» تقدم مجرور بر متعلق آن بیانگر توجه دادن به مجرور است و دلالت بر اصرار دارد، یعنی «إذا لم يكن قيامك عليه لا يرجع لك أمانتك»: اگر بر او اصرار نکنی، امانت را بر نمی‌گرداند. (تونس، ۱۹۸۴م: ۲۸۵/۳ - ۲۸۶)

در این آیه جهت انعکاس دلالت موجود، باید ترجمه «وَمِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ» در ابتدای آیه و ترجمه «عَلَيْهِ» پیش از «قَائِمًا» ذکر شود که الهی قمشه‌ای با رعایت تقدم و تأخر واژگان آیه، دلالت موجود را منعکس کرده‌اند؛ همچنین بهتر است از تعبیر جبرانی «آنچه موجب شگفتی است، آن است که»، «شگفت آنکه» و ... داخل گروه جهت انعکاس دلالت ابراز شگفتی نهفته در آیه استفاده شود.

ترجمه پیشنهادی: و [شگفت آنکه] در بین یهودیان، کسانی هستند که اگر ثروت هنگفتی را نزدشان به امانت‌گذاری، پشش می‌دهند و در بین آنان، کسانی نیز هستند که اگر دیناری را نزد آنان به امانت‌گذاری، پشش نمی‌دهند مگر اینکه مدام بر او اصرار کنی و این بدان جهت است که گفتند: خوردن دارایی پیروان سایر ادیان برای یهودیان حلال است.

۸. ﴿أَفَغَيْرَ دِينِ اللَّهِ يَبْتَغُونَ...﴾ (آل عمران/۸۳)؛ «آیا کافران، دینی غیر دین خدا را می‌طلبند؟» (الهی قمشه‌ای)

تقدیم همزه در این آیه دلالت بر اهمیت استفهام دارد و تقدیر کلام «فَأْغَيْرَ دِينِ اللَّهِ يَبْتَغُونَ» است و زمخشری این نظر را که نظر همه نحویان پیش از وی است، مجاز می‌داند و «غیر» به‌عنوان مفعول‌به منصوب بر فعلش «يَبْتَغُونَ» مقدم شده است، زیرا مهم‌تر است از آن جهت که انکار نهفته در معنای همزه متوجه معبود باطل است. (زمخشری، ۱۹۹۵م: ۳۷۲/۱)

در این آیه جهت مراعات دلالت نهفته در آن لازم است همزه استفهامی پیش از «ف» و

مفعول به پیش از فعل ترجمه شود که الهی قمشهای با رعایت تقدم و تأخر واژگان آیه، دلالت موجود را منعکس کرده است.

ترجمه پیشنهادی: آیا پس [از این همه دلایل انکارناپذیر دینی] غیر از دین خدا می‌خواهند؟
 ۹. ﴿قُلْ آمِنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ عَلَيْنَا وَمَا أُنزِلَ عَلَيَّ إِلَّا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطَ وَمَا أُوتِيَ مُوسَى وَعِيسَى وَالنَّبِيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ﴾ (آل عمران/۸۴)؛ «بگو: ما به خدای عالم و شریعت و کتابی که به خود ما نازل شده و آنچه به ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و فرزندان نازل شد و آنچه به موسی و عیسی و پیغمبران دیگر از جانب پروردگار آمده، به همه ایمان آورده‌ایم، فرقی میان هیچ‌یک از پیامبران خدا نگذاریم، زیرا ما مطیع فرمان خدا هستیم.» (الهی قمشهای)

در این آیه، جار و مجرور در فراز «وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ» مقدم شده تا این پیام را برساند که مراد از این اقرار، ایمان و تسلیم، تنها رضای خدا است و هیچ‌گونه چشمداشتی از جمله امید به جاه و مال ندارند. (مسیری، ۲۰۰۵م: ۲۷۱) همچنین رعایت ضرب‌آهنگ آیات و هماهنگی با «يُرَجَّعُونَ» در آیه قبل و «الْخَسِرِينَ» در آیه بعد، از دیگر دلایل تقدیم جار و مجرور است.

در این آیه جهت انعکاس دلالت موجود که حصر است، باید از ادات حصر زبان فارسی نظیر «تنها، فقط، منحصرأ» استفاده کرد که الهی قمشهای (ما مطیع فرمان خداییم) دلالت این آیه را منتقل نکرده است.

ترجمه پیشنهادی: و ما تنها به خاطر رضای او سر تسلیم فرود آورده‌ایم.
 ۱۰. ﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ...﴾ (آل عمران/۱۱۰) شما نیکوترین امتی هستید که بر آن قیام کردند که مردم را به نیکوکاری وادار کنند و از بدکاری باز دارند و ایمان به خدا آورند. (الهی قمشهای)

با وجود ارجحیت ایمان به خدا و مقدم بودن آن بر همه طاعات و عبادات، در این آیه امر به معروف و نهی از منکر بر ایمان به خدا مقدم شده است تا بر این نکته دلالت کند که آنچه مایه برتری امت اسلام بر سایر امت‌های راست‌دین شده است صرفاً به خاطر ایمان به خدا _ که اصل و باوری مشترک میان همه امت‌های راستین است _ نیست بلکه به خاطر پایبندی بیشتر امت اسلام به فریضه امر به معروف و نهی از منکر است، پس عامل اصلی برتری امت اسلامی امر به معروف و نهی از منکر است و ایمان به خدا شرط لازم و نه کافی برای تحقق این برتری است. (رازی، ۱۹۹۰م: ۳۲۶/۸)

محمد عبده درباره دلالت تقدیم در این آیه معتقد است که خصیصه امر و نهی، در عرف کلیه انسان‌ها خواه مؤمن خواه کافر خصیصه‌ای پسندیده است و همگان به برتری دارنده این خصیصه اعتراف می‌کنند و از آنجاکه این آیه در مقام برتری دادن امت اسلام بر امت‌های

دیگر است، خداوند انگشت روی وجود خصیصه‌ای میان امت اسلام گذاشته است که هم مؤمنان و هم کافران نسبت به آن اتفاق نظر دارند، دلالت دیگر تقدیم در آیه مزبور این است که امر به معروف و نهی از منکر به منزله حصار و حفاظ ایمان است و از آنجا که مردم حفاظ هر چیز ارزشمندی را پیش از آن بنا می‌کنند، حفاظ ایمان، از باب مراعات عرف، بر ایمان مقدم شده است. (رضا، ۱۹۹۰م: ۵۲/۴)

همچنین ممکن است نوعی تعریض به اهل کتاب باشد آنان که ادعای ایمان می‌کردند اما نمی‌توانستند مدعی انجام فریضه امر به معروف و نهی از منکر باشند، زیرا اهل کتاب جملگی نهی از منکراتی که مرتکب می‌شدند، نمی‌کردند، از این رو خداوند ذکر امر و نهی را مقدم کرد، زیرا آنان نمی‌توانند دعوی مشارکت در این فریضه را با اهل ایمان داشته باشند و ذکر ایمان را که اهل کتاب مدعی آن هستند، مؤخر کرد تا به آنان بفهماند مادامی که ایمان ثمره‌اش را که امر به معروف و نهی از منکر است، ندهد، آن ایمان، صحیح و کامل نیست. (همان: ۵۳/۴)

در این آیه جهت انتقال دلالت موجود باید ترجمه «تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ» بر «تَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ» مقدم شود و الهی قمشه‌ای با رعایت تقدم و تأخر واژگان آیه، دلالت موجود را منعکس کرده است.

ترجمه پیشنهادی: شما بهترین امتی هستید که به سوی مردم [جهان] فرستاده شده‌اید، امر به معروف و نهی از منکر می‌کنید و به خدا ایمان می‌آورید ...

۱۱. ﴿وَمَا ظَلَمَهُمُ اللَّهُ وَلَكِنْ أَنْفُسُهُمْ يَظْلِمُونَ ...﴾ (آل عمران/۱۱۷)؛ «و خدا ستمی بر آن‌ها نکرده، لیکن آنان به نفس خود ستم می‌کنند.» (الهی قمشه‌ای)

تقدیم مفعول به «أَنْفُسُهُمْ» بر فعل «يَظْلِمُونَ» دلالت بر اختصاص دارد یعنی «لم يقع وبال ظلمهم إلا بأنفسهم خاصة لا يتخطاهم إلى غيرهم»: پیامدهای تلخ ظلمشان تنها گریبان‌گیر خودشان می‌شود و به دیگران نخواهد رسید؛ همچنین به خاطر مراعات فاصله بین آیات قبل و بعد و هماهنگی با «خالدون» در آیه قبل و «تعقلون» در آیه بعد مفعول به مقدم شده است (مسیری، ۲۰۰۵م: ۲۷۴) که فاصله به علامت پایان هر یک از آیات در قرآن کریم اطلاق می‌شود.

در این آیه نیز جهت انتقال معنای اختصاص به زبان مقصد، باید بر خلاف ساختار زبان فارسی _ که مفعول به بعد از فعل ذکر می‌شود _ ترجمه مفعول به «أَنْفُسُهُمْ» پیش از فعل «يَظْلِمُونَ» ذکر کرد که الهی قمشه‌ای دلالت آیه را منعکس کرده است.

ترجمه پیشنهادی: خداوند به آنان ظلم نکرد اما آنان تنها بر خودشان ظلم می‌کنند.

۱۲. ﴿... وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ﴾ (آل عمران/۱۲۲)؛ «و همیشه باید اهل ایمان به خدا توکل کنند.» (الهی قمشه‌ای)

لفظ جلاله «الله» جهت افاده معنای اختصاص مقدم شده است یعنی «علیه لا علی غیره

یکون التوکل». (مسیری، ۲۰۰۵م: ۲۷۵)

در این آیه جهت افاده معنای اختصاص در ترجمه باید از اداتی نظیر «تنها، فقط و منحصر» استفاده کرد و لفظ جلاله را بر فعل مقدم کرد؛ اما از آنجاکه در زبان فارسی فاعل در آغاز جمله می آید، به ناچار مترجم باید جهت ارائه ترجمه‌ای روان و قابل قبول برای خواننده، فاعل را پیش از لفظ جلاله ذکر نماید که الهی قمشه‌ای به جهت عدم استفاده از ادات اختصاص، دلالت آیه را منتقل نکرده است.

ترجمه پیشنهادی: و مؤمنان تنها بر خدا توکل کنند.

۱۳. ﴿بَلَىٰ إِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا وَيَأْتُوكُم مِّن فَوْرِهِمْ هَذَا يُمْدِدْكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ آلَافٍ مِّنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ﴾ (آل عمران/۱۲۵)؛ «بلی اگر صبر و مقاومت در جهاد پیشه کنید و پیوسته پرهیزکار باشید، چون کافران بر سر شما شتابان و خشمگین بیایند، خداوند برای حفظ و نصرت شما، پنج هزار فرشته را با پرچمی که نشان مخصوص سپاه اسلام است، به مدد شما می فرستد.» (الهی قمشه‌ای)

مقام فراز «وَيَأْتُوكُمْ» مقام وعده است و در واقع از نظر معنایی معطوف بر «يُمْدِدْكُمْ رَبُّكُمْ» است و در اصل باید بعد از «يُمْدِدْكُمْ رَبُّكُمْ» ذکر می شد؛ اما در این آیه معطوف بر معطوف‌علیه با هدف تعجیل در آرام کردن دل‌های مؤمنان و اطمینان دادن به آنان مقدم شده است. (تونسی، ۱۹۸۴م: ۷۴/۴)

طبق تفسیر مزبور فراز «وَيَأْتُوكُم مِّن فَوْرِهِمْ» اشاره به حضور آئی فرشتگان به‌عنوان نیروهای کمکی دارد، اما از نظر الهی قمشه‌ای این فراز اشاره به حمله سریع دشمنان اسلام دارد. از این رو طبق تفسیر یونسی، مترجم نتوانسته مفهوم و دلالت موجود در این آیه را به ترجمه منعکس کند؛ همچنین جهت انتقال دلالت آیه طبق تفسیر یونسی لازم است در ترجمه، معطوف معنایی بر معطوف‌علیه مقدم شود.

ترجمه پیشنهادی: آری اگر صبر داشته باشید و تقوای خویش را حفظ کنید، آنگاه بی‌درنگ به یاری شما خواهند آمد، پنج هزار فرشته نشان‌دار که خداوند شما را با آنان یاری می کند.

۱۴. ﴿وَمَا كَانَ قَوْلُهُمْ إِلَّا أَنْ قَالُوا رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَإِسْرَافَنَا فِي أَمْرِنَا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ﴾ (آل عمران/۱۴۷)؛ «و آن‌ها جز این نمی گفتند که بار پروردگارا، به کرم خود از گناه و ستمی که ما درباره خود کرده‌ایم در گذر و ما را ثابت قدم بدار و ما را بر محو کافران مظفر گردان.» (الهی قمشه‌ای)

اسلوب تقدیم و تأخیر در این آیه دلالت بر درخواست صعودی مرحله‌به‌مرحله دارد به این معنی که در مرحله اول با بیان «رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا» بخشش گناهان صغیره را از خداوند خواستند، در مرحله دوم با بیان «وَإِسْرَافَنَا فِي أَمْرِنَا» به امید بخشش گناهان کبیره سطح درخواست خویش را بالا بردند و زمانی که چشم امید به بخشش گناهان و لغزش‌هایش

بستند در مرحله سوم «وَ أَنْصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ» یا فراتر گذاشتند و از خداوند خواستار نزول نصرت و رحمتش شدند (مسیری، ۲۰۰۵م: ۲۷۸) همچنین در فراز «وَمَا كَانَ قَوْلُهُمْ إِلَّا أَنْ قَالُوا» خبر کان بر اسم آن جهت دلالت بر قصر حقیقی مقدم شده است، زیرا «قَوْلُهُمْ» خبر مبتدای محصور (أَنْ قَالُوا) است، به عبارتی دیگر گفته آنان را محصور در «رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا...» کرده است؛ گفته‌ای که آنان به هنگام ابتلا به مصیبت‌ها و سختی‌های راه خدا بیان کردند که این قصر از موقعیت کلام استنباط می‌شود (همان) نظیر قصر موجود در آیه ۵۱ سوره نور ﴿إِنَّمَا كَانَ قَوْلَ الْمُؤْمِنِينَ إِذَا دُعُوا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ أَنْ يَقُولُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا﴾.

جهت انتقال دلالت (درخواست سعودی) لازم است واژه‌ها طبق تقدم و تأخر موجود در آیه ترجمه شوند و جهت انعکاس دلالت حصر لازم است ضمن بهره‌جویی از ادات حصر زبان فارسی نظیر تنها، فقط، جزء و... باید از ترجمه «قَوْلُهُمْ» که خبر مقدم کان است، به صورت اسم کان اجتناب نمود که الهی‌قمشه‌ای دلالت اول را منتقل کرده اما با ترجمه «قَوْلُهُمْ» به صورت اسم کان نتوانسته است دلالت دوم را آن‌گونه که باید و شاید منعکس نماید.

ترجمه پیشنهادی: این کلام که «پروردگارا! گناهان کوچک ما را ببخش و از گناهان بزرگ ما هم درگذر و گام‌های ما را راسخ نما و ما را کافران پیروز گردان» تنها کلام آنان بود.
۱۵. ﴿فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَأَنْفَضُوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ﴾ (آل عمران/۱۵۹)؛ «رحمت خدا تو را با خلق مهربان و خوش‌خوی گردانید و اگر تندخو و سخت‌دل بودی، مردم از گرد تو متفرق می‌شدند، پس چون درباره تو بد کنند، از آنان درگذر و برای آن‌ها طلب آموزش کن و برای دلجویی، با آن‌ها در کار جنگ مشورت نما.» (الهی‌قمشه‌ای)

در این آیه عفو پیامبر بر استغفار مقدم و هر دو بر مشورت مقدم شده‌اند تا بر این نکته دلالت کند که کوتاهی مؤمنان را نسبت به حقوقی که بر گردن آنان داری، ببخش زیرا آنان در جنگ احد تو را تنها گذاشتند و سزاوار نبود که با تو چنین کنند و برای بخشش کوتاهی‌شان نسبت به حقوقی که خدا بر گردن آنان دارد، استغفار کن به عبارتی دیگر، عفو پیامبر را مقدم کرد زیرا با عفو پیامبر مؤمنان لایق بخشش خداوند می‌شوند، پس در این صورت مسئولیت آنچه میان اهل ایمان و پیامبر است از دوش آنان برداشته شد، سپس مسئولیت آنچه میان اهل ایمان و خداوند است، نیز از گردن آنان ساقط شد و در این هنگام شایستگی مقام مشورت را یافتند. (مسیری، ۲۰۰۵م: ۲۸۱)

همچنین تقدیم جار و مجرور دلالت بر حصر اضافی دارد یعنی «برحمه من الله لا یغیر ذلک من أحوالهم» و این قصر اشاره ضمنی به این نکته دارد که عملکرد آنان سزاوار برخورداردی تند است، اما خداوند از باب لطف به مؤمنین و به خاطر حکمتی که خدا برای

مدیریت این امت می‌داند، رفتار رسولش را نرم و مهربان کرده است و «ما» بعد از «باء» جر تأکید جمله‌ای را که دارای قصر است، بیشتر کرده است و افزایش تأکید دلالت بر آن دارد تقدیم تنها به خاطر افاده اهمیت نیست بلکه افاده قصر می‌کند. (تونس، ۱۹۸۴م: ۱۴۴/۴)

جهت انعکاس دلالت حصر موجود در آیه لازم است از ادات ویژه حصر در زبان فارسی نظیر تنها، فقط و ... استفاده کرد که الهی‌قمشه‌ای (رحمت خدا تو را با خلق مهربان و خوشخوی گردانید)، به جهت عدم استفاده از ادات حصر نتوانسته، این دلالت را به ترجمه منتقل کند.

ترجمه پیشنهادی: تنها به خاطر مرحمتی از جانب خدا است که با آنان نرم‌خو هستی و اگر خشن و سنگدل می‌بودی، از پیرامونت دور می‌شدند پس از آنان در گذر و برایشان استغفار کن و در کار با آنان مشورت کن.

۱۶. ﴿الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ﴾ (آل عمران/۱۹۱)؛ «آن‌هایی که در هر حالت، ایستاده و نشسته و خفتن خدا را یاد کنند.» (الهی‌قمشه‌ای)

اگر مراد از «ذکر» در این آیه نماز باشد، ترتیب تقدم قیام، قعود و جنوب دلالت بر یکی از احکام فقهی نماز دارد یعنی اهل ایمان ایستاده نماز می‌خوانند اما اگر توان خواندن نماز به صورت ایستاده نداشتند، نشسته نماز می‌خوانند و اگر باز نتوانند، به پهلو نمازشان را ادا می‌کنند. (مسیری، ۲۰۰۵م: ۲۸۱)

جهت انعکاس دلالت آیه ضروری است واژه‌های مورد بحث را به همان ترتیب موجود در آیه ترجمه کرد که الهی‌قمشه‌ای با رعایت این نکته، دلالت موجود در آیه را منعکس کرده است.

نتیجه‌گیری

با بررسی‌های انجام گرفته در این مقاله نتایج زیر به دست آمد:

۱- تقدیم و تأخیر در قرآن علاوه بر توجه به رعایت فواصل و ضرب‌آهنگ آیات، بر مفاهیمی نظیر تعظیم، اهتمام، اختصاص، تقدم و تأخر زمانی و تاریخی، ابراز تعجب، تعریض، تعجیل در بشارت و تسکین دل‌ها و ... دلالت دارد.

۲- تقدیم و تأخیر اسلوبی است که با هدف دلالت بر معانی و مفاهیم، در آیات گنجانده شده است که عدم انعکاس آن در ترجمه علاوه بر خدشه‌دار کردن چینش واژگانی آیات، پیام نهفته در چنین آیاتی را به ترجمه منتقل نخواهد کرد از این رو مترجمین بدون آگاهی و توجه به اسلوب تقدیم و تأخیر نمی‌توانند ترجمه‌ای قابل قبول ارائه دهند.

۳- مترجم آن‌گونه که باید و شاید نتوانسته است، دلالت‌های انواع تقدیم و تأخیر نهفته در آیات دارای این اسلوب را به زبان فارسی منعکس کند و این کاستی گاهی به دلیل عدم



آگاهی مترجم از دلالت تقدیم و تأخیر در آیات است و گاهی به تفاوت ساختاری میان زبان عربی و فارسی باز می‌گردد که مترجم ناگزیر شده است بین ترجمه‌ای تحت‌اللفظی، مبدأگرا، نامأنوس و بعضاً نامفهوم برای خواننده همراه با انتقال دلالت موجود به ترجمه و ترجمه‌ای معنایی، مقصدگرا، روان و خواننده‌محور بدون انتقال دلالت موجود در آیه یکی را برگزیند.

۴- واقعیت آن است که انعکاس دلالت‌های تقدیم و تأخیر در همه آیات دارای این اسلوب امکان‌پذیر نیست و باید پذیرفت ترجمه، دلالت معانی موردنظر را دستخوش تغییراتی می‌نماید درست شبیه گلی که از رستنگاه اصلی خویش جدا و در مکان دیگری کاشته می‌شود و گرچه نمی‌خشکد، اما دستخوش پژمردگی می‌شود و تا حدودی طراوت و خوشبویی خویش را از دست می‌دهد.

۵- رعایت تقدم و تأخر واژگانی آیات در ترجمه آنجا که تقدیم و تأخیر بر مفاهیمی نظیر تکامل تدریجی از پایین به بالا، تقدم و تأخر زمانی و تاریخی، ترتیب عملی انجام برخی تکالیف شرعی، اهتمام و ... دلالت دارد، استفاده از ادات ویژه حصر و اختصاص در زبان فارسی نظیر تنها، فقط، منحصرأ و ...، آنجا که تقدیم و تأخیر بر اختصاص و حصر دلالت دارد و استفاده از واژگان جبرانی مناسب مقام آیه نظیر واژه‌های دارای بار معنایی تعجب، تهدید، تأکید و ... آنجا که این اسلوب بر مفاهیمی این‌چنینی دلالت دارد، از جمله فنون ترجمه اسلوب تقدیم و تأخیر به زبان فارسی است.

سال پنجم
شماره دوم
پیاپی: ۹
پاییز و زمستان
۱۴۰۰

کتابنامه

- قرآن کریم (۱۳۹۳ش): «ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای»، تهران: دارالقران الکریم.
- ابن‌اثیر، ضیاء‌الدین (۱۹۸۳م): «المثل السائر فی ادب الکاتب و الشاعر»، تحقیق محمود الحوفی، بیروت: دارالرفاعی.
- ابن‌الجینی، ابوالفتح عثمان (۱۹۹۰م): «الخصائص»، تحقیق محمد علی النجار، قاهره: دارالشؤون الثقافیة هیئة المصریة العامه للکتاب، الطبعة الرابعة.
- أندلسی، ابوحيان (۲۰۰۱م): «تفسیر البحر المحیط»، تحقیق عادل احمد عبدالموجود و الآخرین، بیروت: دارالکتب العلمیة ردمک.
- تونسلی، ابن‌عاشور (۱۹۸۴م): «التحریر و التنویر»، تونس: الدار التونسیة للنشر.
- رازی، فخرالدین (۱۹۹۰م): «التفسیر الکبیر و مفاتیح الغیب»، بیروت: دارالفکر.
- رضا، محمد رشید (۱۹۹۰م): «تفسیر المنار»، قاهره: هیئة المصریة العامه للکتاب.
- جرجانی، علی بن محمد بن علی (۱۹۹۱م): «کتاب التعریفات»، تحقیق عبدالمعتم الحفنی، قاهره: دارالرشاد.
- جوادى، نصیرالدین (۱۳۹۹ش): «واکاوی جایگاه تقدیم و تأخیر آیات در روایات تفسیری»، فصلنامه علمی ترویجی مشکوه، شماره ۱۴۶، ۵۳ – ۷۴.
- زکریا، میثال (۱۹۸۳م): «الأسنئیة التولیدیة و التحولییة و قواعد اللغة العربیة»، بیروت: المؤسسة الجامعیة للدراسات و النشر و التوزیع.
- زمخشري، ابوالقاسم (۱۹۹۵م): «الکشاف»، تصحیح محمد عبدالسلام شاهین، لبنان: دارالکتب العلمیة.
- سیبویه (۱۹۶۸م): «الکتاب»، تحقیق عبدالسلام هارون، بیروت: دارالکتاب العربی للنشر و الطباعة.
- السمین الحلبي، شهاب‌الدین (۱۹۹۴م): «الدر المصون فی علوم الکتاب المکنون»، تحقیق و تعلیق علی محمد معوض و الآخرین، بیروت: دارالکتب العلمیة.
- شعراوی، محمد (۱۹۹۱م): «تفسیر الشعراوی»، قاهره: أخبار الیوم.
- شهبازی، محمود، امیدعلی، احمد (۱۳۹۶ش): «تقدیم و تأخیر و بازتاب آن در ترجمه قرآن»، فصلنامه پژوهش‌های ادبی-قرآنی، شماره ۳، ۱ – ۱۸.
- عبدالمطلب، محمد (۱۹۸۴م): «البلاغه و الأسلوبیة»، قاهره: هیئة العربیة للکتاب.
- _____ (۱۹۹۷م): «البلاغه العربیة، قراءه أخرى»، قاهره: الشركة المصریة العالمیة للنشر لونیجمان.
- عمایره، خلیل احمد (۱۹۸۴م): «فی نحو اللغة و تراکیبها، منهج و تطبیق»، قاهره: دارالمعارف.
- عیسی، هدی دار (۲۰۲۰م): «علم الدلالة فی اللغة العربیة»، <https://mawdoo3.com>
- کراعی، احمد نعیم (۱۹۹۳م): «علم الدلالة بین النظر و التطبيق»، بیروت: المؤسسة الجامعیة.
- کوهین، جون (۱۹۸۶م): «بنیة اللغة الشعریة»، ترجمه محمد الولی و محمد العمری، المغرب: دارالبیضاء.
- مؤمن، احمد (۲۰۰۸م): «اللسانیات: النشأة و التطور»، الجزائر: دیوان المطبوعات الجامعیة، الطبعة الرابعة.
- مسیری، منیر محمود علی (۲۰۰۵م): «دلالات التقدیم و التأخیر فی القرآن الکریم»، قاهره: مکتبه الوهبة.
- معروف، یحیی (۱۳۸۰ش): «فن ترجمه»، تهران: سمت.
- نجار، ماجد (۲۰۱۶م): «الدلالة الصوتیة فی القرآن».
- همتی، شهاریار، ظفری، پژمان، محبتی، شمسی (۱۳۹۷ش): «واکاوی معنای معنا و بررسی زیباشناسی آن در قرآن کریم، مطالعه موردی تقدیم و تأخیر در ده آیه مشابه»، فصلنامه مطالعات ادبی متون اسلامی، دوره ۳، ۶۹-۹۵.
- یاقوت، محمود سلیمان (۲۰۰۸م): «منهج البحث اللغوی»، قاهره: دارالمعارف.

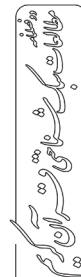
Bibliography

- The Holy Quran (1393 SH), Translated by Mehdi Elahi Qomshei, Tehran, The house of Holy Quran
- Ibn Athir, Zia- Aldin (1984), The proverb in the literature of the writer and poet, Research by Mahmoud Al- houfi, Beirut, Dar Al- Refaei
- Ibn Algenni, Abu Al- fath Othman, Properties, Research by Mohammad Ali Al-Najjar, House of Cultural Affairs , General Egyptian Book Authority, 4th edition
- Andolosi Abu- Hayyan (2001), Interpretation of the Ocean, researched by Adil Ahmad Abd Al- Mojoud and others, Beirut, Scientific Books House of Redmak
- Tounesi Ibn Ashour (1984), Editing and Enlightening, Tunisia, Tunisian Publishing House
- Razi Fakhr Al-din (1990), The Great Interpretation and the Unseen keys, Beirut, House of Thought
- Reza Mohammad Rashid (1990), Interpretation of the Lighthouse, Cairo, General Egyptian book Authority
- Jorjani, Ali Ibn Mohammed Ibn Ali (1991), The book of Definitions, Researched by Abd Al- Monam Al- Hafni, Cairo, Dar Al- Rashad
- Javadi Nasir Al- Din (1399 HS), Analyzing the position of Precedence and Delay of Verses in Interpretive Traditions, Meshkat Promotional- Scientific Quarterly, Numbers 146 - 53- 74
- Zakaria Michael (1983), Generative and Transformational Linguistics and the Grammar of Arabic Language, Beirut: University Foundation for Studies, Publishing and Distribution
- Zamakhshari Abu Al- Qasim (1995), Al- Kashaf, Edited by Mohammad Abd Al- Salam Shahin, Lebanon, Scientific Books House
- Sibvieh (1968), The Book, Researched by Abd Al- Salam Haroun, Beirut, Arabic House of Book for Publishing and Printing
- Al- Samin Al- Helli, Shahab Al- Din (1994), The Protected Pearl in the Science of the Hidden Book, Investigation and Comment by Ali Mohammad Mavaz and others, Beirut, House of Scientific Books
- Sharawi Mohammad (1991), Sharawi's Interpretation, Cairo, Akhbar Al- Yom
- Shabazi Mahmoud, Omid Ali, Ahmad (1396 SH), Precedence and Delay and its Reflection in the Translation of Quran, Quarterly Journal of Literary- Quranic Researches, Numbers 3, 18- 1
- Abd Al- Motallib Mohammad (1984), Rhetorics and Statistics, Cairo, The Arab Board of the Book
- Abd Al- Motallib Mohammad (1997), Arabic Rhetoric from Another point of view, Cairo, The Egyptian International Publishing Company Longman
- Amayereh Khalil Ahmad (1984), On the Grammar of Language and its Structures, Method and Application, Cairo, House of Knowledge
- Hodadar Isa (2020), Semantics in the Arabic Language, [https:// mawdoo3. Com](https://mawdoo3.com)
- Karacain Ahmad Naeim (1993), Semantics between consideration and Application,



سال پنجم
شماره دوم
پیاپی: ۹
پاییز و زمستان
۱۴۰۰

- Beirut, University Institution
- Kohen John (1986), The Structure of Human Language, Trablsted by Mohammad Al- Vali and Mohammad Al- Omri, Morocco, Casablanca
 - Momen Ahmad (2008), Linguistics: genesis and evolution, Algeria, Bureau of University Publications, Fourth edition
 - Masiri Monir Mahmoud Ali (2005), Signs of Presentation and Delay in the Holy Quran, Cairo, Al- Wahba School
 - Marouf Yahya (1380 SH), The Skill of Translation, Tehran, Samt Publications
 - Najjar Majed (2016), The Evidence of Sound in Quran
 - Hemmati, Shahriyar, Zafari, Pezhman, Mohabbati, Shamsi (1397 SH), Analyzing the Meaning of Meaning in the Holy Quran, A Case Study of Precedence and Delay in Ten Similar Verses, Quarterly Journal of Literary Study of Islamic Texts, editions 3- 69- 95
 - Yaqout Mahmoud Soleyman (2008), Linguistic Research Methodology, Cairo, House of Knowledge



سال پنجم
شماره دوم
پیاپی: ۹
پاییز و زمستان
۱۴۰۰